



نازیسم به سبک اسرائیل

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور غزه و کرانه باختری در پی شهادت یک معلول فلسطینی در غزه بر اثر گرسنگی، رژیم صهیونیستی را به نازیسم تشبیه کرد. «فرانچسکا آلبانیز» گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور غزه و کرانه باختری در واکنش به شهادت یک معلول فلسطینی در غزه بر اثر گرسنگی، در حساب کاربری خود در پلتفرم «ایکس»، اصرار رژیم صهیونیستی به گرسنگی دادن به ۲ میلیون انسان و کشتار کودکان در نوار غزه را به جنایات نازی‌ها تشبیه کرد. آلبانیز در ادامه نوشت: نسل ما با این باور بزرگ شد که نازیسم بزرگترین شر بوده و همینطور بود و جنایات نباید فراموش بشود، اما امروز دولتی (اسرائیل) وجود دارد که تحت حمایت دموکراسی‌ها و دیکتاتوری‌ها، میلیون‌ها انسان را گرسنگی می‌دهد و برای تفریح به سمت کودکان شلیک می‌کند، این ورطه جدیدی از وحشیگری است اما چگونه از این وضعیت نجات پیدا خواهیم کرد؟



دوکشوری در قبرس

رئیس جمهور ترکیه بار دیگر بر حمایت کامل از یک توافق صلح جامع جنجالی که به تشکیل «دو کشور جداگانه» در قبرس یونانی‌نشین و ترک‌نشین منجر شود، تاکید کرد. این پیشنهاد صلح جنجالی از سوی «ارجب طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه به این معناست که اکثریت قبرس یونانی‌نشین که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، آن را قاطعانه رد می‌کنند. به نوشته روزنامه بیزنس استاندارد، اردوغان در اظهارتش در مراسم مربوط به حمله نظامی ترکیه به قبرس در ۵۱ سال پیش گفت، حمایت ترکیه از نقطه‌نظر «ارسین تارتار» رئیس قبرس ترک‌نشین برای «راه حل دو کشوری» قاطع و حتمی است. رئیس جمهور ترکیه ادامه داد، زمان آن رسیده که جامعه بین‌الملل در مورد حقایق موجود به یک نقطه‌نظر مشترک برسد و جامعه بین‌الملل روابط دیپلماتیک و اقتصادی با قبرس ترک‌نشین ایجاد کند. حمله نظامی ترکیه به جزیره قبرس در پی کودتای مورد حمایت حامیان حکومت نظامیان آن برای ایجاد اتحاد بین قبرس و یونان انجام شد. در حال حاضر هم، فقط ترکیه قبرس ترک‌نشین را به رسمیت می‌شناسد و ۲۵ هزار نیرو در این منطقه دارد.



سیگنال‌های مثبت دمشق

یک منبع امنیتی اسرائیلی گفت: با هر تشکیلاتی که سعی در ورود به سویداء داشته باشد، برخورد خواهیم کرد. این منبع امنیتی اسرائیلی گفت: ما با دولت سوریه ارتباط برقرار کرده و نگرانی‌های درونی‌های اسرائیلی را در مورد آنچه در سویداء اتفاق می‌افتد، به آنها منتقل کرده‌ایم. منبع امنیتی اسرائیلی افزود: دولت دمشق سیگنال‌های مثبتی می‌فرستد، اما ما با آنها با احتیاط برخورد می‌کنیم. به ادعای این منبع امنیتی اسرائیلی، اسرائیل قصد اشغال خاک سوریه را ندارد. پیشتر روزنامه ترکیه‌ای «حریت» نوشت: «نگرانی اصلی اسرائیل، ترکیه است. اسرائیل از نفوذ ترکیه در سوریه ناراضی است. اگر نیروهای دموکراتیک سوریه، حزب کارگران کردستان (PKK) و یگان‌های مدافع خلق (YPG) خلع سلاح شوند، نفوذ ترکیه بیشتر افزایش خواهد یافت.»

بلندمدت، به عوامل داخلی و خارجی بستگی دارد. من معتقد نیستم که ایران بتواند سطح نفوذی را که بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ داشت، به این زودی‌ها بازیابد. بنابراین، فکر می‌کنم در آینده نزدیک، رقابت اصلی منطقه‌ای به جای رقابت حول محور ایران، به سمت رقابت ترکیه و اسرائیل تغییر خواهد کرد.

آیاباید به نقش روسیه بپردازیم. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق ایران، پس از ترک سمت خود، بارها در مصاحبه‌ها اظهار داشت که روسیه علاقه‌ای به نزدیکی ایران و غرب ندارد و حتی سعی کرد در مذاکرات هسته‌ای مانع تراشی کند. نقش روسیه در بحران فعلی چیست، به‌ویژه با توجه به اینکه در طول جنگ، سیدعباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه، به مسکو سفر کرد؟ انتظارات ایران از روسیه چیست؟

در طول این جنگ، برداشت‌ها از روسیه در میان نخبگان حاکم ایران - به‌ویژه سپاه پاسداران - کاملاً منفی بود. ایران محاسبه کرده بود که با حمایت از روسیه در جنگ اوکراین، به شریک کلیدی مسکو تبدیل شده و جایگاه جهانی خود را تقویت خواهد کرد. حتی زمانی که توافق جامع استراتژیک با روسیه مورد بحث قرار می‌گرفت، انتظارات خیلی بالا نبود و ایران انتظار نداشت که روسیه از طرف آن علیه اسرائیل وارد جنگ شود.

با این حال، موضعی که روسیه - به‌ویژه موضع رئیس‌جمهور پوتین - اتخاذ کرد، برای ایرانیان بسیار ناامیدکننده بود. روسیه نه مستقیماً اسرائیل را محکوم کرد و نه حمایت کامل خود را از ایران ابراز داشت. با وجود همه کمک‌های ایران، روسیه هیچ کاری برای تقویت نیروی هوایی ایران انجام نداد. این امر منجر به این تصور فزاینده در تهران شده است که روسیه شریک نظامی - امنیتی قابل اعتمادی نیست. ایران اکنون بیشتر به چین نگاه می‌کند. اینکه آیا این تغییر موفقیت‌آمیز خواهد بود یا خیر، هنوز مشخص نیست، اما روند آن آشکار است.

روسیه به طور فزاینده‌ای به عنوان قدرتی دیده می‌شود که از هر فرصتی برای پیشبرد منافع استراتژیک خود استفاده می‌کند. روسیه، مانند ترکیه یا عربستان سعودی، ایران ضعیف اما پابدار را ترجیح می‌دهد؛ ایرانی بدون سلاح هسته‌ای و ایرانی که به موضع ضدغربی خود ادامه دهد. برای روسیه، این یک فرصت است، نه یک بحران.

ارمنستان با توجه به اهمیت استراتژیک سیاسی و اقتصادی ایران برای ایروان و تأثیر بالقوه هرگونه بی‌ثباتی در داخل با اطراف ایران، جنگ ۱۲ روزه را از نزدیک دنبال کرد. ایران همچنین از مخالفان اصلی به اصطلاح «کریدور زنگرور» است. آیا جنگ و بدتر شدن موقعیت منطقه‌ای ایران می‌تواند منجر به تغییر موضع تهران شود؟ آیا ایران - با توجه به چالش‌های داخلی و خارجی خود - آماده و قادر به ادامه دفاع از موضع خود در این مورد است؟

از زمان جنگ قره‌باغ کوهستانی ۲۰۲۰، و به‌ویژه پس از آنکه مشخص شد آذربایجان، ترکیه و روسیه منافع مشترکی در مورد این کریدور دارند، ایران توجه فزاینده‌ای به قفقاز جنوبی نشان داده است. ایران به این نتیجه رسیده است که امنیت و تمامیت ارضی ارمنستان مستقیماً با امنیت ملی خود مرتبط است.

با این اوصاف، ایران همواره یک راه حل دیپلماتیک را به این موضوع ترجیح داده است. رویکرد ایران در قبال آذربایجان ترکیبی از بازدارندگی و دیپلماسی است. تعیین خطوط قرمز، انجام رزمایش‌های نظامی مشترک و ارسال سیگنال‌های هشدار دهنده از طریق کانال‌های رسمی. اما نگرانی واقعی در تهران وجود دارد که آذربایجان ممکن است از ضعف فعلی ایران برای پیشبرد مسئله کریدور، احتمالاً حتی از طریق نظامی، سوءاستفاده کند.

سفر اخیر رئیس‌جمهور یزشکیان به آذربایجان، که انتقادهایی را از داخل ایران برانگیخت، احتمالاً نشان‌دهنده اذعان واقع‌بینانه به اهرم محدود ایران در حال حاضر است. تهران اکنون در تلاش است تا با کور از طریق یک استراتژی دوگانه تعامل مستقیم و فشار غیرمستقیم از طریق ترکیه مهار کند.

در داخل ایران، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد سیاست نسبت به آذربایجان وجود دارد. برخی معتقدند که موضع دولت بیش از حد نرم است؛ به‌ویژه در بحبوحه گزارش‌های تأییدشده مبنی بر استفاده از خاک آذربایجان علیه ایران. این افراد استدلال می‌کنند که ایران باید قاطعانه‌تر واکنش نشان دهد تا روابط آذربایجان با اسرائیل را محدود کند و از هرگونه تجاوز مرتبط با کریدور جلوگیری کند.

اما نگرانی واقعی برای ایران به خودی خود آذربایجان نیست بلکه ترکیه به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای است. ایران در حال حاضر به ترکیه، چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی، نیاز دارد. بنابراین، ایران در تلاش است تا عادی‌سازی روابط بین ارمنستان و ترکیه را تشویق کند و اوضاع را از نظر دیپلماتیک تثبیت کند.

اولویت فعلی تهران حفظ تمامیت ارضی خود است و هرگونه تعامل خارجی را دارای خطرات قابل توجهی می‌داند. به همین دلیل، رویکرد ایران در مورد مسئله کریدور به‌طور فزاینده‌ای محتاطانه و عمل‌گرایانه است و بر اجتناب از تشدید تنش در عین حفظ خطوط قرمز استراتژیک خود متمرکز است.

ترجمه: آریا صدیقی



آمریکا و اسرائیل در برخورد با ایران

منطقه‌ای جدید هستند

این لایحه را با ملاحظاتی بازگردانده و هنوز آن را تأیید نکرده است. اما بله، کنترل بدون شک افزایش یافته است. بسیاری از دستگیری‌ها در طول جنگ انجام شده است. با این حال، ارزیابی اینکه آیا این اقدامات هدفمند بوده‌اند یا سیستماتیک، مهم است. به همین دلیل است که دوره پیش رو حیاتی است. در عین حال، باید بپذیریم که اختلافات داخلی در درون سیستم وجود دارد. در بحبوحه فساد و رقابت‌های قدرت داخلی، برخی از جناح‌ها سعی در فرار از مسئولیت دارند.

به عنوان مثال، اخراج گسترده افغان‌ها را در نظر بگیرید. ممکن است موارد جداگانه‌ای شامل خرابکاری یا جاسوسی وجود داشته باشد. اما وقتی در مورد ترور فرماندهان ارشد و دانشمندان هسته‌ای صحبت می‌کنیم، واضح است که موضوع، نفوذ سیستماتیک است و اکنون، برخی از جناح‌های درون سیستم، برای جلوگیری از افشا و پاسخگویی، افغان‌ها را قربانی می‌کنند. این نشان‌دهنده عدم وحدت در درون نخبگان حاکم در مورد درک و رسیدگی به علل ریشه‌ای آسیب‌پذیری‌های کشور است. تا زمانی که اراده سیاسی واقعی برای مقابله مستقیم با این مشکلات وجود نداشته باشد، انتظار تغییر معنادار دشوار خواهد بود.

وقتی به واکنش‌های ایران به حملات اسرائیل نگاه می‌کنیم، واضح است که انتقام‌های ایران متناسب نبود، اما بدون پیامد نیز نبود. آیا ایران اصلاً به دنبال پاسخ متناسب بود؟ هدف اصلی ایران در طول این جنگ چه بود؟

تمام دکرترین نظامی ایران بر اساس اصل «بازدارندگی از طریق مجازات» بنا شده است. هدف ایران این بوده است که نشان دهد اگر مورد حمله قرار گیرد، هزینه سنگینی برای پرداخت خواهد داشت. در طول این جنگ نیز، هدف، بازدارندگی بود نه شکست دادن اسرائیل. هدف ایران پایان دادن به درگیری بود.

با وجود خساراتی که متحمل شد و محدودیت‌هایی که در توانایی پاسخگویی آن وجود داشت، ایران موفق شد به هدف اصلی خود یعنی توقف جنگ دست یابد. بدون شک، اگر ایران توانایی موشکی نداشت، اسرائیل احتمالاً هدف حداکثری خود را دنبال می‌کرد. با این حال، هیچ تضمینی وجود ندارد که ایران در دستیابی به هدف دوم خود یعنی بازیابی قدرت بازدارندگی خود موفق شود.

با توجه به همه این تحولات - از جمله جنگ ۱۲ روزه، وضعیت غزه، تضعیف حزب الله و از دست دادن سوریه به عنوان یک دژ متحد - آیا ایران هنوز پتانسیل بازیابی نفوذ منطقه‌ای قبلی خود را دارد؟

در کوتاه‌مدت، این امر امکان‌پذیر نیست. در میان‌مدت تا

ناراضی بودند - در طول جنگ به شدت با حملات خارجی مخالفت کردند. آن زمان، زمانی بود که میهن‌پرستی مردم را متحد می‌کرد.

آیا با ارزیابی مقامات ایرانی موافقت می‌کند که در طول جنگ، مردم ایران - شامل مخالفان داخلی و خارجی - وحدت و همبستگی ملی را نشان دادند؟

بله، موافقم. همه شواهد این را تأیید می‌کنند. در میان مخالفان خارجی، تنها یک جناح - جناح رضا پهلوی - مستقیماً از اسرائیل حمایت کرد. دیگران، ضمن انتقاد از جمهوری اسلامی به دلیل کشتادن کشور به جنگ، از اقدامات اسرائیل حمایت نکردند. حتی مصطفی تاجزاده، چهره شناخته‌شده اپوزیسیون در داخل ایران، اقدامات اسرائیل را از زندان محکوم کرد. در میان ایرانیان، یک حس جمعی پدیدار شد که همه در یک کشتی هستند و اگر آن کشتی غرق شود، همه با هم غرق می‌شوند. به عبارت دیگر، درحالی که مخالفت با جمهوری اسلامی ادامه دارد، این به معنای حمایت ایرانیان از اقدامات نظامی اسرائیل نیست.

آیا این وحدت در آینده نزدیک پایدار خواهد ماند یا برعکس آن محتمل‌تر است؛ نارضایتی و اعتراضات عمومی؟ آیا نشانه‌هایی از آن وجود دارد؟

از نظر تاریخی، در زمان فشار خارجی، مردم ایران متحد شده‌اند. اما تا زمانی که به ریشه مشکلات پرداخته نشود، به سختی می‌توان گفت که این وحدت در درازمدت دوام خواهد آورد. مسائل اقتصادی همچنان پابرجاست و تحریم‌ها ممکن است تشدید شوند. نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی ادامه دارد. دقیقاً به همین دلیل است که منتقدان جمهوری اسلامی در داخل کشور از دولت می‌خواهند که از این فرصت استفاده کند. زندانیان سیاسی را آزاد کند و فضای عمومی را بهبود بخشد. در غیر این صورت، احتمالاً همان چرخه تکرار خواهد شد.

در عین حال، شاهدیم که پس از جنگ، مجلس ایران در حال بررسی لایحه‌ای است که مجازات همکاری با اسرائیل و سایر کشورها را افزایش می‌دهد. همین لایحه همچنین «اخلال در نظم اخلاقی و روانی عمومی» و انتشار اخبار کذب را جرم‌انگاری می‌کند. آیا این نشان‌دهنده افزایش کنترل دولت نیست، نه برعکس؟

تاکنون، شورای نگهبان